



بررسی تحلیلی مولفه‌های بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

سید علی محمد موسوی^۱

۳۲

چکیده

این پژوهش با هدف واکاوی مولفه‌های بنیادین گفتمان بیداری اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، از طریق تحلیل محتوای بیانات و متون ایشان انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد بیداری اسلامی در منظومه فکری ایشان، گفتمانی چندبُعدی است که حول دال مرکزی «احیای تمدن اسلامی» با محوریت عقلانیت، علم و اخلاق شکل می‌گیرد. مولفه‌های کلیدی این گفتمان شامل: (۱) احیای هویت اسلامی به‌مثابه پایه مبارزه با استعمار نوین، (۲) مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی و استکبارستیزی، (۳) مردمسالاری دینی با تکیه بر مشارکت نخبگان و حوزه‌های علمیه، و (۴) جنبش نرم‌افزاری و تولید علم در چارچوب ارزش‌های دینی است. از منظر ایشان، تحقق این گفتمان نیازمند هماهنگی سه‌گانه «نخبگان فکری»، «نهادهای دینی» و «مردم» در سطوح داخلی، منطقه‌ای و جهانی است. پژوهش حاضر با روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و نظریه هژمونی لاکلا و موفه، چالش‌های پیشروی این گفتمان را در دو سطح آسیب‌های درونی (ضعف ایدئولوژیک، گسست رهبری-مردم) و تهدیدهای بیرونی (راهبردهای استعماری نظیر تفرقه‌افکنی و ارائه بدیل‌های انحرافی) مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاکی از آن است که تمدن‌سازی اسلامی در گرو بازتعریف مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، مهدویت و مقاومت فعال در پرتو تحولات ژئوپلیتیک معاصر است.

کلیدواژه‌ها: بیداری اسلامی، مقام معظم رهبری، تحلیل گفتمان، تمدن اسلامی.

دوره ۹، شماره ۱، پیاپی ۳۲

بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۳/۲۶

صص: ۵۳-۷۲

شاپا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی (ره)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

بیداری اسلامی به معنای حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی، تجدید حیات اسلام در کالبد فرد و جامعه، و بازگشت به خویشتن اسلامی است. مهمترین هدف آن نیز بازگرداندن دین به عرصه زندگی فردی و اجتماعی و نهایتاً تأسیس تمدن نوین اسلامی است.

بیداری اسلامی به عنوان یک جریان فکری-اجتماعی در جهان اسلام، ریشه در مفاهیم عمیق قرآنی و سنت روایی دارد. این پدیده که از آن به «احیای هویت دینی» و «بازگشت به خویشتن اسلامی» تعبیر می‌شود، در دو سده اخیر به شکل‌های مختلفی در جوامع مسلمان ظهور یافته است. قرآن کریم با تأکید بر «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳)، نخستین سنگ بنای این حرکت را در وحدت امت اسلامی می‌داند. این آیه به صراحت مسلمانان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه فرا می‌خواند، مفهومی که در روایات معصومین(ع) به عنوان «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفُرْقَةُ عَذَابٌ» (نهج الفصاحه، ح ۱۳۲۳) بازتاب یافته است.

از منظر قرآن، بیداری اسلامی تنها محدود به جنبه‌های سیاسی نیست، بلکه «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ» (انبیاء/۱۰) بر بعد معرفتی و هویتی آن تأکید می‌ورزد. این آیه اشاره دارد که قرآن خودآگاهی امت را تضمین می‌کند، موضوعی که در روایات اهل بیت(ع) با محوریت «بیداری روحی» تکمیل می‌شود. امام عسکری(ع) در حدیثی شریف، شب‌زنده‌داری را شرط رسیدن به معرفت الهی می‌داند، (دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۳۹۷) امری که پایه‌های درونی بیداری اسلامی را تقویت می‌کند.

سنت نبوی و کلام ائمه اطهار(ع) بر لزوم مبارزه با استکبار تأکید ویژه‌ای دارد. روایتی از امام علی(ع) که می‌فرماید: «الشَّادُّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ»، (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷) نشان می‌دهد تکروری و دوری از جمعیت مسلمانان، فرد را در دام شیطان می‌اندازد. این مفهوم در اندیشه امام خمینی(ره) به عنوان «خط بیداری اسلامی» تجلی یافت که بر مبارزه با استعمار و حکومت‌های دست‌نشانده متمرکز بود. از سوی دیگر، روایت حضرت فاطمه(س) که «پیروی از اهل بیت، نظام امت را تضمین می‌کند» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ۹۹)، پیوند ناگسستنی بین رهبری دینی و تحقق بیداری اسلامی را نشان می‌دهد.

بنیان‌های قرآنی این حرکت، در آیات متعددی مانند «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا» (مزمّل ۶) به بعد عبادی-اخلاقی آن می‌پردازد. این آیات نشان می‌دهند که بیداری اسلامی بدون تقویت پایه‌های معنوی، به انحراف می‌گراید. از نگاه روایی، «امامت به عنوان نظام‌دهنده امت» نقش محوری در

هدایت این جریان دارد، موضوعی که در حدیث نبوی «إسمعوا وأطيعوا لمن ولاة الله الأمر» به وضوح قابل مشاهده است.

در مجموع، بیداری اسلامی از منظر متون دینی، حرکتی چندبعدی است که وحدت امت، بازگشت به قرآن و عترت، مبارزه با استکبار و تقویت بنیان‌های معنوی را در هم می‌آمیزد. این مفاهیم نه تنها در آیات قرآنی، بلکه در سیره عملی معصومین(ع) و تفاسیر اندیشمندان معاصر مانند شهید مطهری بازتاب یافته است. (زارع زاده و جاهد، ۱۳۹۷: ۱۹۶) تحقق کامل این آرمان، مستلزم تمسک به «حبل متین الهی» و پرهیز از هرگونه انشقاق در صفوف مسلمین است.

اما گفتمان بیداری اسلامی به‌عنوان پارادایمی کلیدی در تحولات ژئوپلیتیک معاصر خاورمیانه، در اندیشه مقام معظم رهبری از جایگاهی راهبردی برخوردار است. این مفهوم که در پیوندی ناگسستنی با «احیای تمدن اسلامی» تعریف می‌شود، نه صرفاً یک انگاره نظری، بلکه «واقعیتی انضمامی با آثار ملموس در ساحت‌های سیاسی-اجتماعی جهان اسلام» محسوب می‌گردد. (مشتاقی، ۱۳۹۱: ۱۰۲) در این چارچوب، مسئله اصلی پژوهش حاضر واکاوی ساختار مفهومی، مولفه‌های بنیادین و چالش‌های پیشروی این گفتمان در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب است.

تحولات دهه اخیر منطقه، از قیام‌های مردمی شمال آفریقا تا مقاومت در برابر تروریسم تکفیری، نشانگر ظهور «نسل سوم بیداری اسلامی» با ویژگی‌های متمایزی است. (انصاری و محمدی، ۱۳۹۴: ۲۳۶) از سویی، تقابل این گفتمان با پروژه‌های هژمونیک غرب نظیر «خاورمیانه جدید» و «نظم سکولار لیبرال»، و از سوی دیگر چالش‌های درونی ناشی از گسست نظریه و عمل در جنبش‌های اسلامی، لزوم بازخوانی انتقادی این انگاره را در اندیشه یکی از نظریه‌پردازان اصلی آن ایجاب می‌کند.

پرسش محوری این پژوهش آن است که «مولفه‌های سازنده گفتمان بیداری اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری چگونه در شبکه‌ای از روابط هژمونیک، به بازتولید گفتمان مقاومت در سطح منطقه‌ای می‌انجامد؟».

پیشینه تحقیق

مطالعات پیشین در این زمینه عمدتاً بر دو محور متمرکز بوده‌اند: نخست، تحقیقاتی با رویکرد توصیفی که به استخراج مفاهیم کلیدی از بیانات رهبری پرداخته‌اند. (میرزایی، ربانی و حقیقی مقدم، ۱۳۹۴) دوم،

پژوهش‌های آسیب‌شناختی که با تمرکز بر عوامل شکست جنبش‌هایی چون اخوان‌المسلمین، الگوی تحلیلی ارائه کرده‌اند. (انصاری و محمدی، ۱۳۹۴) اما خلاً اصلی در نبود تحلیلی نظام‌مند از «روابط بینامتنی مولفه‌های این گفتمان» و «سیر تکاملی آن در پرتو تحولات منطقه‌ای» احساس می‌شود.

مفهوم‌شناسی

این بخش به تبیین دقیق مفاهیم کلیدی تحقیق بر اساس تعاریف موجود در گفتمان مقام معظم رهبری و ادبیات آکادمیک می‌پردازد:

۱) **بیداری اسلامی:** در این پژوهش، بیداری اسلامی به «جنبشی خودآگاهانه، سازمان‌یافته و مبتنی بر آموزه‌های ناب اسلامی» تعریف می‌شود که سه ویژگی کلیدی دارد:

- **خاستگاه تمدنی:** احیای هویت اسلامی در تقابل با مدرنیته غربی
- **کارکرد سیاسی:** مبارزه با استبداد داخلی و استکبار جهانی
- **بعد فرهنگی:** تولید گفتمان بدیل در عرصه‌های علمی و هنری

از منظر رهبر معظم انقلاب، این مفهوم در چارچوب «نهضت نرم‌افزاری» و «تمدن‌سازی اسلامی» بازتعریف می‌شود (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

۲) **مقاومت:** مفهوم مقاومت در این تحقیق، فراتر از معنای نظامی، به «استراتژی چندبعدی فرهنگی-تمدنی» اشاره دارد که شامل مؤلفه‌های زیر است:

- **مقاومت فعال:** ابتکار عمل در عرصه‌های علمی و فناوری
- **مقاومت هوشمند:** ترکیب دیپلماسی و قدرت نرم
- **مقاومت پایدار:** اتکا به اقتصاد درون‌زا و مردم‌بنیاد

این اصطلاح در بیانات رهبری، همواره با دال مرکزی «عزت اسلامی» گره خورده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

۳) **استکبارستیزی:** به «مبارزه نظام‌مند با ساختارهای سلطه جهانی» تعریف می‌شود که در دو سطح عمل می‌کند:

- **ساختارشکنی:** مقابله با نهادهای هژمونیک مانند صهیونیسم و امپریالیسم

• **ساختارسازی:** ایجاد نهادهای موازی اسلامی (مانند بانکداری بدون ربا) رهبر معظم انقلاب این مفهوم را «فریضه شرعی» و «استراتژی بقای امت اسلامی» می‌داند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۸).

۴) **عدالت اجتماعی:** در این پژوهش، عدالت به «نظام توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع بر اساس معیارهای اسلامی» تعریف می‌شود که شامل سه شاخص است:

- **عدالت اقتصادی:** مبارزه با انحصار و رباخواری
 - **عدالت قضایی:** برابری در برابر قانون بدون تبعیض مذهبی یا قومی
 - **عدالت فرهنگی:** دسترسی عادلانه به تولیدات علمی و هنری
- این مفهوم در منظومه فکری رهبری، با «مبانی کلامی شیعی» مانند مهدویت و انتظار فعال پیوند خورده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

۵) تمدن اسلامی

در این تحقیق، تمدن اسلامی به «نظام جامع معناسازی مبتنی بر وحی» تعریف می‌شود که چهار رکن دارد:

- **عقلانیت توحیدی:** تلفیق عقل و نقل در اداره جامعه
 - **اخلاق اجتماعی:** اولویت مصالح جمعی بر منافع فردی
 - **هنر متعهد:** تولید آثار هنری در خدمت گفتمان مقاومت
 - **علم نافع:** دانشی که نیازهای مادی و معنوی بشر را پاسخ دهد
- رهبر معظم انقلاب، احیای این تمدن را «هدف غایی بیداری اسلامی» می‌داند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱).
- ۶) **استعمار نوین:** به «اشکال جدید سلطه‌گری از طریق ابزارهای فرهنگی، اقتصادی و رسانه‌ای» اطلاق می‌شود که دارای این ویژگی‌هاست:

- **تهاجم نرم:** تغییر ارزش‌ها از طریق صنعت فرهنگ
 - **استثمار هوشمند:** بهره‌کشی اقتصادی با ظاهر حقوق بشری
 - **مهندسی اجتماعی:** دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی
- رهبری این پدیده را «استعمار مدرن» نامیده‌اند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

۷) **هویت تمدنی:** به «شبکه معنایی مشترک میان مسلمانان مبتنی بر تاریخ، فرهنگ و آرمان‌های اسلامی» اشاره دارد که شامل این عناصر است:

- **حافظه تاریخی:** بازخوانی افتخارات تمدن اسلامی
- **آرمان مشترک:** مسئله فلسطین به عنوان کانون وحدت
- **آینده‌پردازی:** ترسیم افق تمدن نوین اسلامی

این مفهوم در گفتمان رهبری، جایگزین «هویت‌های قومی و نژادی» شده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸).

چارچوب نظری

این پژوهش با اتکا به «روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف» در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، و بهره‌گیری از نظریه «هژمونی لاکلا و موفه»، به بازخوانی لایه‌های پنهان گفتمان بیداری اسلامی در اندیشه رهبر معظم انقلاب می‌پردازد. (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸) داده‌ها شامل ۴۲ سخنرانی کلیدی ایشان در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۴۰۰ با تمرکز بر محورهای:

- نسبت‌سنجی تمدن اسلامی و مدرنیته
- کارکرد حوزه‌های علمیه در نظریه‌پردازی
- استراتژی‌های مقابله با استکبار جهانی، است که از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری استخراج شده‌اند.

یافته‌های کلیدی اولیه

تحلیل مقدماتی نشان می‌دهد گفتمان بیداری اسلامی در این اندیشه حول پنج دال مرکزی سامان یافته است:

- ۱) **بازتعریف هویت اسلامی** به مثابه آنتی‌تز هویت سکولار غربی
- ۲) **مقاومت فعال** با تاکید بر الگوی «نه شرقی-نه غربی»
- ۳) **مردمسالاری دینی** به عنوان بدیل نظریه‌های لیبرال دموکراسی
- ۴) **جنبش نرم‌افزاری** با محوریت تولید علم بومی
- ۵) **عدالت اجتماعی** در تقابل با نظام سرمایه‌داری جهانی

گفتمان بیداری اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری

این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب «تحلیل گفتمان تمدنی» و تلفیق روش‌های کیفی و کمی، به واکاوی لایه‌های پنهان گفتمان بیداری اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد این گفتمان حول دال مرکزی «احیای تمدن اسلامی» شکل گرفته و از طریق مکانیسم‌های هژمونیک‌سازی، به بازتعریف هویت اسلامی در تقابل با گفتمان‌های سکولار و بنیادگرایی تکفیری می‌پردازد. (عبدالملکی، نظامی پور و عشایری، ۱۳۹۷: ۱۲۰) در ادامه، ابعاد سه‌گانه این گفتمان با استناد به منابع علمی و بیانات رهبری تشریح می‌گردد.

۱) چارچوب نظری: تلفیق رهیافت‌های گفتمانی و تمدنی

نظریه گفتمان لاکلا و موفه (۱۹۸۵) به عنوان پایه تحلیل، نشان می‌دهد گفتمان بیداری اسلامی از طریق «غیریت‌سازی دوگانه» همزمان با لیبرال دموکراسی و بنیادگرایی، به هژمونی دست یافته است. (بشیر، ۱۴۰۰: ۳۵) این گفتمان با بهره‌گیری از دال‌های شناوری چون «مقاومت»، «عدالت» و «استکبارستیزی»، به بازتعریف مفاهیم مدرنی مانند دموکراسی و حقوق بشر می‌پردازد. از سوی دیگر، نظریه تمدن‌سازی اسلامی شهید مطهری، سه رکن کلیدی «عقلانیت توحیدی»، «اخلاق اجتماعی» و «هنر متعهد» را به عنوان پایه‌های پروژه تمدنی معرفی می‌کند.

۲) سطح کلان: پارادایم تمدنی و هویت‌سازی اسلامی

تحلیل بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد گفتمان بیداری اسلامی در این سطح، چهار مؤلفه اصلی دارد: بازخوانی انتقادی مدرنیته غربی، احیای گفتمان امت واحده حول محور قدس، تولید علوم انسانی اسلام‌محور، و طراحی الگوی حکمرانی دینی. این پارادایم با استفاده از استعاره‌هایی مانند «تمدن مهدوی» و «ام القرای اسلامی»، به بازتعریف هویت جمعی مسلمانان می‌پردازد. (دیبایی و همکاران، ۱۳۹۹) به عنوان مثال، تأکید مکرر بر «جنبش نرم‌افزاری» و «تولید علم دینی»، نشانگر نقد ریشه‌ای گفتمان سکولار حاکم بر نهادهای علمی است.

۳) سطح میانی: استراتژی مقاومت هوشمند

مطالعه بیانات رهبری بیانگر آن است که مقاومت در این گفتمان، سه لایه متمایز دارد: مقاومت سخت‌افزاری (خودکفایی دفاعی)، مقاومت نرم‌افزاری (تولید محتوای رسانه‌ای)، و مقاومت هوشیارانه

(تشخیص تهدیدات ترکیبی) (ذاکر، ۱۳۹۹: ۲۱۰) الگوی «تهاجم فرهنگی پیشدستانه» در قالب مفاهیمی مانند «جهاد تبیین» و «دیپلماسی تهاجمی»، نشانگر تلاش برای خشتی‌سازی جنگ نرم دشمن است. تحلیل پیام‌های حج نیز مؤید این نکته است که دیپلماسی گفتمانی جمهوری اسلامی، محورهایی چون وحدت اسلامی و استکبارستیزی را در دستور کار قرار داده است.

۴) سطح خرد: مهندسی اجتماعی و بازتعریف مفاهیم مدرن

در این سطح، گفتمان بیداری اسلامی به بازتعریف مفاهیمی مانند آزادی، دموکراسی و حقوق بشر می‌پردازد. به عنوان مثال، «آزادی» نه به معنای لیبرال، بلکه به مثابه مسئولیت‌پذیری توأم با التزام به ارزش‌های دینی تعریف می‌شود. نهادهایی مانند «وقف» و «شوراهای اسلامی»، مکانیسم‌های عینی برای تحقق عدالت اجتماعی و مشارکت مردمی معرفی شده‌اند. تحلیل گفتمان رهبری درباره اهل سنت نیز نشان می‌دهد «امت واحده اسلامی» به عنوان دال مرکزی، جایگاه محوری در سیاست‌گذاری‌های داخلی و بین‌المللی دارد. (هوشنگی، ۱۳۹۹: ۳۵۰)

مؤلفه‌های کلیدی آسیب‌شناسی جنبش‌های بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

تحلیل بیانات و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب نشان می‌دهد آسیب‌شناسی بیداری اسلامی در اندیشه ایشان مبتنی بر دوگانه آسیب‌های درونی-بیرونی و تعامل پیچیده آنها با مؤلفه‌های هویتی-تمدنی است. این چارچوب تحلیلی، همزمان بُعد ایجابی (الگوسازی انقلاب اسلامی) و بُعد سلبی (آسیب‌شناسی انحرافات) را پوشش می‌دهد.

الف) آسیب‌های درونی

۱) ضعف شبکه رهبری و نخبگانی

- گسست فکری-عملیاتی میان رهبران و بدنه اجتماعی
- عدم انسجام گفتمانی در مبانی ایدئولوژیک (اختلاف در تفسیر مفاهیمی چون عدالت، آزادی و مردمسالاری دینی)
- کاهش بصیرت سیاسی در سطوح مدیریتی و نخبگی

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «یک آسیب دیگر تناقض میان هویت نظام و اهداف آن است به عبارتی یک چالش بزرگی همواره بر سر راه حفظ هویت این نظام وجود داشته است؛ الان هم وجود دارد، بعد از این هم خواهد بود. آن چالش عبارت است از چالش بین وفاداری و حفظ خطوط اصلی - یعنی اصول و مبانی نظام - از یک طرف، و دستاوردهای پیشرفت مادی و معنوی برای نظام از طرف دیگر. این فکر گاهی اوقات پیش می‌آید؛ البته دلیل هم دارد که این فکر پیش می‌آید؛ چون آن هدفهای مترتب بر آن مبانی، اینجور نیست که هدفهای زودرسی باشد، که حالا در ظرف ده سال و بیست سال حتماً این هدفها تأمین شود؛ گاهی اوقات باید نسلها بگذرد تا این اهدافی که بر مبنای آن اصول ترسیم شده است، تحقق پیدا کند. وقتی که این اهداف در میانمدت یا در کوتاهمدت تحقق پیدا نکرد، این وسوسه به سراغ نخبگان و زیدگان و مسئولان می‌آید که نکنند پایبندی ما به این اصول است که مانع میشود ما به این اهداف دست پیدا کنیم. این یک چالش بسیار مهمی است. خوب، عده‌ای ممکن است به این فکر بیفتند که پایبندی ما به اصول موجب شده است که ما به این اهداف دست پیدا نکنیم؛ ناکامی‌هایی در سطح اداره‌ی داخلی یا در سطح مسائل بین‌المللی، ما را دچار مشکل کند. این چالش مهمی است؛ با این چالش باید هوشیارانه برخورد کرد ... راه حل درست عبارت است از اینکه ما هر دو هدف را به موازات یکدیگر دنبال کنیم و بدانیم که این دو هدف با یکدیگر سازگار است؛ یعنی حفظ اصول و مبانی نظام و در واقع حفظ هویت نظام از یک طرف، و از طرف دیگر، دست یافتن به آن اهدافی که نظام تعریف کرده است؛ چه اهداف مادی و پیشرفتهای مادی و علمی و معیشتی و تمدنی و امثال اینها، و چه اهداف معنوی مثل استقرار عدالت و از این قبیل چیزها. باید بدانیم اینها سازگار است. و ما نمیتوانیم به آن اهداف برسیم، مگر اینکه به این اصول پایبند باشیم. یعنی به خاطر اینکه مشکلاتی در رسیدن به آن هدفها پیش می‌آید، از اصول دست برداریم، حالت قناعت حدافلی پیدا نکنیم؛ و بدانیم که اگر ما از اصول دست برداشتیم، حتی هویت نظام که از بین خواهد رفت، به آن هدفها هم نمیرسیم. ما در همین انقلابهای گوناگون، نظائرش را دیدیم. البته اصول آنها، اصول باطلی بود؛ اما تنازلهای آنها به هیچ وجه به آنها کمک نکرد.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۰۶/۱۷)

۲) چالش‌های ایدئولوژیک

- تحریف مفاهیم دینی (مانند تقدس‌زدایی از مقاومت یا تقلیل اسلام به شعائر فردی)
- غرب‌زدگی فکری در میان نخبگان دانشگاهی و حوزوی

• تضاد گفتمانی بین اسلام ناب و اسلام آمریکایی

بررسی بیانات و نظرات امامین انقلاب در مورد این قسمت، بسیار ثمربخش است:

امام خمینی (ره) معتقدند که دور شدن تدریجی جوامع اسلامی از مفاهیم و آموزه‌های اصلی و اصیل اسلامی و دگرگون شدن پیام اولیه عدالت‌خواهانه اسلام، این مکتب به آرامی از بالندگی افتاد، دچار انحراف گشت و به خمودی گرایید. مفاهیم ارزشمندی از قبیل عدالت، قسط، جهاد، حج ابراهیمی، شهادت، امر معروف و... به دلیل خطرآفرین بودن برای قدرتمداران، یا به آفت تحریف دچار گشت و یا به بوته فراموشی سپرده شد؛ و به جای آن مباحثی از قبیل تقدیر و جبر، حدوث و یا قدیم بودن قرآن و مسائلی از این دست، سالها مهمترین موضوع تفکر دینی و اسلامی می‌گردد. توسط اینگونه مباحث دغدغه‌های دینی مردم کنترل شده و محوری برای مشغول کردن اندیشمندان گردیده است. از طرف دیگر، تمایلات فرقه‌ای و عربی، ورود افکار و اندیشه‌های یونانی و فرهنگ غیراسلامی، الهام‌گیری از آموزش و جهان‌بینی غربی، آرمان‌های اسلامی را به انزوا کشانید. بعدها این مسائل، موجب این پندار شده که اسلام با دوره‌ی معاصر، سنخیت ندارد. بیشتر تحصیل کرده‌ها، غافل از داشته‌ها و اندوخته‌های غنی فرهنگ اسلامی خویش، کلید توسعه و حتی نجات جامعه را در اتخاذ علوم، ارزش‌ها و فلسفه غربی دیدند. امام در دیداری که با برخی مسئولین دارد به این نکته اشاره می‌کنند که دشمنان راه نجات خود را در این دیده‌اند که یا اسلام در این کشورها نباشد و یا لاقلاً محتوا نداشته باشد. هرچند در بخش اول توفیقی نداشته‌اند، اما نسبت به بی‌محتوا کردن اسلام موفق بوده‌اند. (موسوی خمینی، ۱۴۱۹ق)

حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز در این ارتباط معتقدند که یکی از مهم‌ترین نقاط آسیب‌پذیر، این است که جامعیت اسلام، مورد تجزیه قرار بگیرد و برخورد گزینشی با اسلام، صورت گیرد. این همان خطری است که قرآن کریم هم پیش‌بینی فرموده و اخطار کرده است که نکند چنین برخوردی با متن دین، صورت بگیرد. تعبیر قرآن کریم، «ایمان به بعض و کفر به بعض» است، یعنی اسلام را به عنوان یک موجود زنده، تفسیر کنید و همه ابعادش را در کنار یکدیگر بفهمید، نه آنکه اسلام را زنده زنده تجزیه و مثله کنید و هر فرقه و گروهی و هر ملیتی و حزبی بخشی از اسلام را به دلیلی برجسته کند و ابعاد دیگر آن را نادیده بگیرد یا تضعیف کند. قرآن کریم با تعبیر دیگری و از زاویه دیگری هم به همین آفت اشاره کرده و تعبیر «تحریف الکلم عن مواضعه» را آورده که در مورد ادیان دیگر هم صورت گرفته

و بدین معنی است که مفاهیم دینی، جایگاه و موضع شان اگر دیده نشود و هندسه معارف دین درهم بشکند و همه ابعادش رعایت نشود ما صدمه خواهیم خورد.

۳) آسیب‌های مردمی

- کاهش روحیه جهادی و گرایش به مصرف‌گرایی (حلیمی، ۱۴۰۰)
- ضعف خودباوری تمدنی و انفعال در برابر الگوهای غربی (مصطفی پور و ثابتی، ۱۳۹۷: ۹۰)
- عدم پایداری در عرصه‌های فرهنگی-اقتصادی پس از پیروزی‌های سیاسی (نصرت پناه و امیدی، ۱۳۹۶: ۴۰)

بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری متأثر از اندیشه‌های سیاسی انقلاب اسلامی است. این نظریه متضمن روشی متوازن و مبتنی بر حضور توأمان مردم و ارزشهای الهی در جامعه است. مقام معظم رهبری نیز سالها پیش از شروع انقلابهای غرب آسیا بر این نکته توجه داشته‌اند. بنابراین نظریه بیداری اسلامی مبتنی بر دیدگاه اصیل انقلاب اسلامی است. دو عنصر تحجر و جزم‌اندیشی و خودباختگی، نقطه مقابل بیداری اسلامی‌اند و آفت آن شناخته می‌شوند. بر این اساس، بیداری اسلامی در مقابل افراط‌گرایی و نیز تفریط و خودباختگی قرار می‌گیرد. (مصطفی پور و ثابتی، ۱۳۹۷: ۹۵)

ب) آسیب‌های بیرونی

۱) راهبردهای استکبار جهانی

- ترفند فرصت‌طلبی (استفاده از ناآگاهی نیروهای انقلابی برای نفوذ)
 - ارائه بدیل‌های انحرافی (لیبرال دموکراسی، سکولاریسم و بنیادگرایی تکفیری)
 - جنگ روانی از طریق ناامیدسازی مردم و تخریب چهره مقاومت
- آیت الله خامنه‌ای معتقدند که مستکبران بین‌المللی و قدرت‌هایی که از این قیام‌ها و انقلاب‌ها لطمه دیده‌اند، آنها بیکار نمی‌مانند و با همه‌ی توان سیاسی و امنیتی و مالی، برای برقراری دوباره‌ی نفوذ و قدرت خود در این کشورها، به میدان می‌آیند. ابزار آنان، تطمیع و تهدید و فریب است. تجربه‌ها نشان داده است که در میان خواص، هستند کسانی که این ابزارها در آنان کارگر می‌شود و ترس و طمع و

غفلت، آنان را دانسته یا ندانسته به خدمت دشمن درمی‌آورد. (بیانات مقام معظم رهبری در پیامی به مناسبت کنگره عظیم حج، ۱۳۹۰/۰۸/۰۵)

آسیب دیگری که جنبش‌های بیداری اسلامی با آن گریبانگیر بوده و بر آینده آن تاثیر گذار است مسئله حرکت‌های انحرافی گروه‌ها در جامعه اسلامی است. از نشانه‌های حرکت‌های انحرافی این است که اموری که در هرم اولویات فعالیت اصلاح اجتماعی و فکری قرار دارند مشخص نگردند و به امور بی‌اهمیت و حاشیه‌ای که فرصت‌های زیادی را در راه رسیدن به اهداف و حاکم کردن اسلام از ما می‌گیرند، پردازیم. مقام معظم رهبری در این ارتباط می‌فرماید: "... انحراف در انقلاب‌ها از انحراف در شعارها و هدفها، آغاز میشود". (بیانات مقام معظم رهبری در سخنرانی افتتاحیه اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۲۶)

راحتی خیال ناشی از احساس پیروزی و به دنبال آن کم شدن انگیزه‌ها و سست شدن عزمها، نخستین خطر است، و آنگاه این خطر مهیتر میشود که اشخاص در صدد تصاحب سهم ویژه در غنیمت به دست آمده باشند. (همان) متأسفانه کسانی به جای اینکه به حرف دل ملتها توجه کنند، راهی را میروند، حرکتی را میکنند که دشمنان این ملتها این حرکت را دارند دنبال میکنند. امروز آمریکا برای شبیه‌سازی کاری که در مصر و در تونس و در یمن و در لیبی و امثال اینها انجام گرفته است، متوجه شده است که سوریه را دچار مشکل کند. ماهیت قضیه در سوریه با ماهیت قضیه در این کشورها متفاوت است. در این کشورها حرکت ضد آمریکا و ضد صهیونیسم بود، اما در سوریه دست آمریکا آشکار و مشهود است؛ ... آنجائی که حرکت ضد آمریکا و ضد صهیونیسم است، آن حرکت، حرکت اصیل و مردمی است؛ آنجائی که شعارها به نفع آمریکا و صهیونیسم است، آنجا حرکت انحرافی است. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، ۹۰/۴/۹)

۲. مهندسی اجتماعی منطقه‌ای

- تفرقه‌افکنی مذهبی-قومی (شیعه/سنی، عرب/عجم)
- حمایت از گروه‌های تکفیری به عنوان ابزار مهار بیداری اسلامی (مشتاقی، ۱۳۹۱)
- تحریم‌های هوشمند علیه اقتصاد کشورهای اسلامی پیشرو

حمایت دولتها یا بازیگران فراملی از گروه‌های تکفیری، به‌عنوان راهبردی برای مقابله با جنبش‌های اسلام‌گرای معتدل یا بیداری اسلامی، پدیده‌ای پیچیده با ریشه‌های ایدئولوژیک، سیاسی و امنیتی است. این گروه‌ها که با تفسیر افراطی از مفاهیم دینی، دیگر مسلمانان را تکفیر می‌کنند، در بستر منازعات منطقه‌ای اغلب به‌عنوان «ابزارهای پروکسی» (نمایندگان غیرمستقیم) برای تضعیف جریان‌های اسلام‌گرایی به کار گرفته می‌شوند که ممکن است خواستار تغییرات ساختاری در نظام‌های سیاسی حاکم باشند.

از منظر «رنالیسم سیاسی»، برخی رژیم‌های سکولار یا اقتدارگرا، با استفاده از این گروه‌ها، دو هدف را دنبال می‌کنند: نخست، ایجاد اختلاف در جنبش‌های اسلامی از طریق تشدید گفت‌وگو تکفیر و کاهش همبستگی میان گروه‌های مختلف؛ دوم، مشروعیت‌زدایی از اسلام سیاسی با مرتبط ساختن آن به خشونت و افراطی‌گری. برای نمونه، در دهه‌های اخیر، شواهدی از همکاری غیرمستقیم برخی دول عربی با گروه‌های تکفیری در سوریه و لیبی برای مقابله با جنبش‌های اخوان المسلمین گزارش شده است. با این حال، این استراتژی دارای «ریسک‌های امنیتی» قابل توجهی است. تقویت گروه‌های تکفیری می‌تواند به گسترش تروریسم فراملی، بی‌ثباتی مرزها، و تشدید تنش‌های مذهبی (مانند تقابل شیعه-سنی) منجر شود. همچنین، این اقدامات ممکن است با ایجاد «بوم‌رنگ امنیتی»، تهدیدات داخلی برای حامیان این گروه‌ها را افزایش دهد. از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی، چنین رویکردی نشانگر تناقض ذاتی در استفاده از افراطی‌گری به‌عنوان ابزار کنترل اجتماعی است که در بلندمدت، نه تنها بیداری اسلامی را مهار نمی‌کند، بلکه به عمق‌بخشی گسل‌های هویتی در جهان اسلام می‌انجامد.

مؤلفه‌های راهبردی در مقابله با آسیب‌ها

۱) الگوی مقاومت فعال

- ترویج گفتمان "عزت، حکمت و مصلحت" در روابط بین‌الملل
- تقویت اقتصاد مقاومتی به عنوان پایه استقلال سیاسی
- دیپلماسی تهاجمی فرهنگی در عرصه‌های رسانه‌ای و علمی

۲) بازسازی هویت تمدنی

- احیای گفتمان امت واحده اسلامی با محوریت آرمان فلسطین « امروز به برکت بیداری اسلامی، منطقه غرب آسیا در حال تعیین سرنوشت آینده‌ی این منطقه است. این موقعیت را باید بشناسیم، آن را قدر بدانیم؛ نگذاریم این موقعیت مهم و حساس از دست برود. مسئله‌ی قدس شریف و فلسطین مظلوم در متن این قضایا قرار دارد و در قلب حوادث خاورمیانه است.»
- تولید علوم انسانی اسلام‌محور در حوزه‌های دانشگاهی
- تقویت نهادهای مردمی (حوزه‌های علمیه، تشکل‌های دانشجویی)

مقام معظم رهبری همواره در بیانات خود، ضمن تأکید بر امکان تحقق علوم انسانی اسلامی، معتقدند که اگر این مسأله به درستی فهم شود و به لوازم تحقق آن نیز دقت کافی و شایسته شود، قطعاً در آینده‌ای نزدیک محقق خواهد شد. مهمترین عواملی که باعث تحقق این مسأله خواهند شد از منظر معظم له عبارتند از: لزوم تلاش برای تولید علم بومی و دینی، تسلط اساسی بر کارهای انجام شده، استفاده از نخبگان و خبرگان کار بلد، جوشش از درون و حمایت از بیرون، تدوین برنامه زمانی معقول، مبتنی بر تفکر و جهان‌بینی الهی، خروج از مرتبه شاگردی و رسیدن به مرتبه استادی، استفاده از نظرات علماء و فضایی حوزه علمیه، انجام پژوهش‌های قرآنی، برملا کردن نقاط غلط، اعراض از بیراهه‌ها و لزوم تشکیک در مبانی غربی علوم انسانی. در مقابل غلبه نگرش مادی، ترجمه‌گرایی صرف، عدم شجاعت علمی و خودتحقیری، از مهمترین موانع تحقق این مسأله است. (موسوی و کتابی، ۱۴۰۳: ۶۱)

۳) نظریه‌پردازی انقلابی

- تدوین الگوی حکمرانی دینی مبتنی بر عدالت اجتماعی
- بازتعریف مفاهیم کلیدی چون آزادی، دمکراسی و حقوق بشر از منظر اسلامی
- طراحی مکانیسم‌های نهادی برای مهار فساد اداری-اقتصادی

جمع‌بندی تحلیلی

مقام معظم رهبری با تأکید بر تلفیق سه گانه "حکمت، عزت و مصلحت"، آسیب‌شناسی بیداری اسلامی را در چهار محور صورت‌بندی می‌کنند:

- ۱) سطح فردی تقویت ایمان و بصیرت انقلابی

۲) **سطح نهادی:** اصلاح ساختارهای حکمرانی

۳) **سطح منطقه‌ای:** وحدت‌سازی گفتمانی

۴) **سطح تمدنی:** تولید الگوی پیشرفت اسلامی

این چارچوب با نقد دوگانه افراط-تفریط (سکولاریسم/بنیادگرایی) و ارائه راه سوم تمدنی، الگویی جامع برای عبور از چالش‌های کنونی ارائه می‌دهد.

بررسی دقیق تر راهکارهای مقابله با آسیب‌های درونی جنبش بیداری اسلامی

بر اساس تحلیل بیانات مقام معظم رهبری و تجربیات تاریخی، راهکارهای کلیدی برای مقابله با چالش‌های درونی جنبش بیداری اسلامی در سه سطح طراحی میشوند:

۱. بازسازی گفتمان ایدئولوژیک

- **احیای مفاهیم ناب اسلامی** با تأکید بر «عدالت اجتماعی»، «استکبارستیزی» و «مردمسالاری دینی» به عنوان ارکان هویتبخش به جنبش.

- **مقابله با تحریف مفاهیم دینی** از طریق تقویت نهادهای فکری مانند حوزه‌های علمیه و مراکز پژوهشی اسلام‌محور.

- **تولید ادبیات انقلابی** مبتنی بر قرآن و سنت برای پاسخگویی به شبهات نسل جوان.

امام خمینی (ره) راه حل را در دریافت فرهنگ اصیل و مترقی اسلام می‌داند و می‌فرماید: "همه توطئه‌های جهان خواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوئیم: اسلام، جوابگوی جامعه است و حتما در مسائل و اقدامات خود از آنان مجوز بگیریم... (موسوی، خمینی، ۱۴۰۹ق: ۸۷/۲۱) من امیدوارم که مسلمانان جهان در آستان قرن حاضر، گرفتاری‌های خود و منشأ آن را بدرست ادراک کنند؛ و با اتحاد همه جانبه و اتکال به اسلام و در زیر پرچم پر افتخار آن از قید و بندهای استعمارگران رهایی یابند... چاره، و یا مقدمه اساسی آن است که ملت‌های مسلمان و دولتها اگر ملی هستند کوشش کنند تا وابستگی فکری خود را از غرب بزدايند و فرهنگ و اصالت خود را بیابند، و فرهنگ مترقی اسلام را- که الهام از وحی الهی می‌گیرد- بشناسند و بشناسانند. (موسوی، خمینی، ۱۴۰۹ق: ۳۹۵/۱۰)

۲) اصلاح ساختارهای مدیریتی

- تقویت شبکه رهبری مردمی با اولویت دادن به «نخبگان بصیر» و «عناصر انقلابی» در سطوح تصمیم‌گیری.
- حذف فساد اداری-اقتصادی از طریق نظارت مردمی و شفافیت مالی، مشابه الگوی اقتصاد مقاومتی.
- ایجاد نهادهای میانجی برای کاهش گسست بین رهبران و بدنه اجتماعی، مانند تشکل‌های دانشجویی و NGOهای دینی.

۳) توانمندسازی مردمی

- آموزش مهارت‌های بصیرتی در قالب دوره‌های «جهاد تبیین» برای مقابله با جنگ روانی دشمن.
- ترویج فرهنگ جهادی با تأکید بر الگوهای عملی مانند مقاومت فلسطین و لبنان در رسانه‌های داخلی.
- تقویت خودباوری تمدنی از طریق بازخوانی دستاوردهای تمدن اسلامی در علوم و فنون.

۴) نظریه‌پردازی اسلامی

- تدوین الگوی حکمرانی دینی با محوریت «ولایت فقیه» به عنوان بدیل نظریه‌های سکولار.
- بازتعریف مفاهیم مدرن مانند دموکراسی، حقوق بشر و آزادی از منظر فقه پویا.
- تأسیس دانشگاه‌های علوم انسانی اسلام‌محور برای تربیت نیروهای متخصص در حوزه‌های سیاسی-اجتماعی.

۵) مکانیسم‌های نظارتی

- تشکیل دادگاه‌های مردمی برای رسیدگی به تخلفات مسئولان، مشابه نهاد «امر به معروف و نهی از منکر» نهادینه‌شده.
- حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی به عنوان عناصر کنترل‌کننده اخلاق عمومی.
- استفاده از ظرفیت فضای مجازی برای گزارش‌دهی مردمی از فساد و انحرافات.

۶) وحدت‌سازی درونی

- تقریب مذاهب اسلامی با محوریت اصول مشترک مانند مبارزه با صهیونیسم و استکبار
- ایجاد پلتفرم‌های گفت‌وگوی نخبگانی بین جریان‌های مختلف اسلامی
- تأکید بر آرمان‌های فراملی مانند آزادی قدس به عنوان نقطه اشتراک همه مسلمانان

۷) بازخوانی انتقادی تاریخ

- مطالعه تطبیقی شکست جنبش‌هایی چون اخوان المسلمین و استخراج درس‌های تاریخی
- احیای الگوهای موفق مانند انقلاب اسلامی ایران در قالب مستندها و آثار هنری
- نقد علمی عملکرد گروه‌های انحرافی مانند تکفیری‌ها برای پیشگیری از نفوذ این گفتمان‌ها

جمع‌بندی راهبردی

بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، راهکارهای مذکور باید در چارچوب «نظریه نظام انقلابی» اجرایی شوند که سه ویژگی کلیدی دارد:

- ۱) پویایی فکری (اجتهاد مستمر در فهم دین)
 - ۲) مردمی بودن (تکیه بر مشارکت توده‌ها)
 - ۳) تهاجم فرهنگی (فعالیت پیشدستانه در عرصه‌های نرم)
- این راهکارها با محوریت «بصیرت افزایی» و «عدالت محوری»، آسیب‌های درونی را در سه سطح فردی، نهادی و تمدنی هدف قرار می‌دهند.

نتیجه‌گیری

گفتمان بیداری اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری، «نظریه‌ای زنده و پویا» است که قابلیت تبدیل به «الگوی جهانی پیشرفت» را دارد. این گفتمان با عبور از دوگانه سنت-مدرنیته، به دنبال ایجاد «تمدن نوین اسلامی» مبتنی بر عقلانیت دینی، اخلاق اجتماعی و عدالت ساختاری است. موفقیت این پروژه، در گرو «بازتعریف روابط بینامتنی» بین اجتهاد فقهی، تولیدات علمی و نیازهای عینی جامعه اسلامی است. این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب «تحلیل گفتمان تمدنی»، موفق به استخراج الگویی سه‌سطحی از گفتمان بیداری اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری شده است که در ادامه به تفصیل تبیین می‌گردد:

۱) سطح کلان: پارادایم تمدنی

گفتمان بیداری اسلامی در این سطح، به مثابه «پروژه‌ای هویتی-تمدنی» بازتعریف می‌شود که چهار مؤلفه کلیدی دارد:

- بازآفرینی هویت اسلامی از طریق تقابل گفتمانی با مدرنیته غربی

- احیای گفتمان امت واحده با محوریت آرمان فلسطین و قدس شریف
 - تولید علوم انسانی بدیل مبتنی بر عقلانیت توحیدی
 - طراحی الگوی حکمرانی دینی در تقابل با لیبرال دموکراسی
- این پارادایم، با اتکا به مفهوم «نظریه نظام انقلابی»، به دنبال ایجاد تعادلی پویا بین «ثبات ایدئولوژیک» و «پویایی راهبردی» است.

۲) سطح میانی: استراتژی مقاومت هوشمند

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد گفتمان مقاومت در این سطح، سه لایه متمایز دارد:

- مقاومت سخت‌افزاری: حفظ توازن بازدارندگی نظامی با تأکید بر خودکفایی دفاعی
 - مقاومت نرم‌افزاری: تولید محتوای هوشمند در رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی
 - مقاومت هوشیارانه: تشخیص به موقع تهدیدات ترکیبی (Hybrid Threats) دشمن
- این استراتژی با محوریت «عزت، حکمت و مصلحت»، از الگوی «تهاجم فرهنگی پیشدستانه» بهره می‌گیرد.

۳) سطح خرد: مهندسی اجتماعی اسلامی

در این سطح، گفتمان بیداری اسلامی به «الگویی برای ساماندهی روابط اجتماعی» تبدیل می‌شود که شامل:

- بازتعریف مفهوم آزادی به مثابه «مسئولیت‌پذیری توأم با التزام به ارزش‌های دینی»
 - احیای نهاد وقف به عنوان مکانیسم توزیع عادلانه ثروت
 - ترویج الگوی مصرف اسلامی در تقابل با فرهنگ مصرف‌گرایی غربی
- این سطح، مستلزم «نظریه‌پردازی نوین» در حوزه‌هایی مانند جامعه‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی دینی است.

افق‌های آینده پژوهانه

این پژوهش سه سناریوی محتمل را برای آینده گفتمان بیداری اسلامی ترسیم می‌کند:

- ۱) سناریوی تمدن‌ساز (تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی در سطح منطقه‌ای)
- ۲) سناریوی تعاملی (همزیستی انتقادی با تمدن غرب)
- ۳) سناریوی انفعالی (غلبه گفتمان‌های لیبرال-سکولار بر جهان اسلام)

تحلیل مؤلفه‌های این سناریوها نشان می‌دهد تحقق سناریوی اول، مستلزم «همگرایی سه‌گانه نخبگان، نهادها و توده‌ها» در چارچوب نظریه امت واحده اسلامی است

فهرست منابع

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
 نهج الفصاحه.
 انصاری، محمدحسین و محمدی، مصطفی (۱۳۹۴). مولفه‌های اساسی بیداری اسلام در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، اولین کنفرانس بین‌المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی. بشیر، حسن (۱۴۰۰). فرایند ساخت معنا در تحلیل گفتمان با روش «پدام» با مطالعه موردی بیداری اسلامی. روش شناسی علوم انسانی، ۲۷ (۱۰۶)، ۴۸-۳۱.
- حسینی خامنه ای، سید علی، مجموعه سخنرانی‌ها و پیام‌های معظم له، وبسایت Khamenei.ir
 حلیمی بلخایی، غلام سخی (۱۴۰۰). آسیب شناسی بیداری اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، قم: نشر المصطفی (ص).
 خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). کفایة الاثر فی النصوص علی الائمة الاثنی عشر، قم: نشر بیدار.
 دیبایی صابر، محسن؛ کارآمد، حسین و طهماسب زاده شیخ‌لار، داوود (۱۳۹۹). تبیین مولفه های تمدن نوین اسلامی مورد نظر مقام معظم رهبری و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۸ (۴۷)، ۸۷-۱۰۵.
 دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق). اعلام الدین فی صفات المومنین، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
 ذاکر، آرمان (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان خطبه‌های نماز جمعه مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۷ پس از شهادت سردار سلیمانی. سیاست متعالیه، ۸ (۲۸)، ۲۰۳-۲۲۲.
 زارع زاده، اسماعیل و جاهد سراوانی، علی (۱۳۹۷). علل انحطاط جهان اسلام و راه های بیداری اسلامی از دیدگاه شهید مطهری، پنجمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران.
 عبدالملکی، هادی؛ نظامی پور، قدیر و عشایری، طاها (۱۳۹۷). نظریه گذار تمدنی به مثابه راهبردی برای تحقق تمدن نوین اسلامی با تاکید بر بیداری اسلامی. مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۱ (۱)، ۱۱۵-۱۱۵.
- کسرابی، محمدسالار و پوزش شیرازی، علی. (۱۳۸۸). نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی، سیاست، ۳۹ (۳)، ۳۳۹-۳۶۰.

مشتاکی، الله کرم (۱۳۹۱). مفهوم بیداری اسلامی و ریشه‌های آن از نگاه مقام معظم رهبری، مجموعه مقالات همایش نظریه بیداری اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی). مصطفی پور، احسان و ثابتی، مریم (۱۳۹۰). بررسی ابعاد و مؤلفه‌های بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، اندیشنامه ولایت، ۳(۷)، ۹۷-۷.

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۰۹ق). صحیفه امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی، سید علی محمد و کتابی، امیر علی (۱۴۰۳). بررسی لوازم تحقق علوم انسانی اسلامی، مبتنی بر اندیشه مقام معظم رهبری، سیاست پژوهی تحول در علوم انسانی، ۳(۲)، ۷۸-۶۱.

میرزایی، محمد؛ ربانی، علی و حقیقی مقدم، اصغر (۱۳۹۴). تحلیل عناصر مفهومی گفتمان بیداری اسلامی در کلام مقام معظم رهبری از منظر تحلیل گفتمان، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱(۱)، ۲۹-۱.

نصرت پناه، محمد صادق و امید، مهدی (۱۳۹۶). الگوی تحلیلی آسیب‌شناسی بیداری اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۷(۲۴)، ۴۷-۲۵.

هوشنگی، حمید (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان مقام معظم رهبری در موضوع اهل سنت، دانش سیاسی، ۱۶(۳۱)، ۳۶۰-۳۲۹.